

دیپلماسی لبخند...

این روزها وقتی به اطرافمان نگاه می‌کنیم بیش از آنکه با چهره‌های خندان و سر حال روبرو شویم با صورت‌های عبوس و درهم مواجه می‌شویم که گویی دنیا به آخر رسیده و قرار است همه چیز بر سرشان آوار شود. به راستی چرا این گونه است؟ چرا مصرف ژل‌های بوتاکس این روزها از مصرف پنیر پیتزا بالاتر رفته است؟ آیا باز هم تقصیر را باید به گردن لایه اوزون و اشعه‌ی فرابنفش خورشید انداخت و خطوط درهم و برهم پیشانی‌ها را به آن نسبت داد یا واقعیت چیز دیگری است!

به دنبال این نیستیم که چرا به جای خطوط اطراف گونه‌ها و لب‌ها، خطوط پیشانی و بین ابروها بیش از هر چیز خودنمایی می‌کنند، بلکه دنبال اثبات این جمله‌ی معروف هستیم که **هر چهره‌ای با لبخند زیباتر است**. نگاهی ظریف! به اوضاع اخیر بین المللی نشان می‌دهد که دیپلماسی لبخند چه کارها که نمی‌کند. چه دل‌های سنگی را که موم نمی‌کند و چه امواج پر تلاطمی را که آرام نمی‌سازد.

بر آن نیستیم که از مرزها فراتر رویم و به افق دور بنگریم، بلکه می‌خواهیم نگاهمان را متوجه همین اطراف و اکناف کنیم تا شاید بتوانیم دلی به دست آوریم و دل شکسته‌ای را بند بزنیم.

بله، این روزها افرادی به ما و شما به عنوان متولیان امر سلامت و درمان مراجعه می‌کنند که بیش از آنکه نگاهشان به دست نوشته‌های روی نسخه‌هایمان باشد، به نگاه پر مهر و محبتمان و تبسم شیرینمان است تا با دلی خوش، روانه‌ی منزل و محل کار بشوند. تا بلکه بتوانند با نیرویی مضاعف، ادامگی عمر را طی مسیر نمایند. فراموش نکنیم که خدای بزرگ، مسئولیت حفظ و صیانت از بندگان خود را که امانت‌های الهی، نزد ما هستند به ما سپرده و ما را شایسته‌ی این مسئولیت خطیر دانسته است. بیاییم به خاطر رضای حق امانت دار خوبی برای خالق یکتای هستی باشیم تا خداوند دست شفای خود را در دستانمان قرار دهد و ما را محبوب القلوب بندگان خویش نماید.

فراموش نکنیم که گاهی آخرین تصویری که در ذهن یک بیمار باقی می‌ماند چهره‌ی ما درمانگران است. چهره‌ای که اگر توام با شیرینی یک لبخند ساده باشد دنیایی از حلاوت و شادمانی را برای ادامه‌ی بقاء بیمار، به ارمغان می‌آورد و خدا نکند که شیطان غرور و خودبینی بر ما چیره شود که در آن صورت باید منتظر همان دنیایی باشیم که بر سر همه آوار می‌شود.

چه خوش باشد به لب‌ها، نیک خنده	به روی چهره‌ها میمیک خنده
و روی تارهای صوتی‌ما	صدای دل‌نشین و نیک خنده
چه خوش باشد کنار ساحل چشم	لبی بر پا کند پیک نیک خنده
زند بر انحنای محور عمر	به جای ماتم و غم، نیک خنده
چه خوش باشد به قصد مهرورزی	به سمت غصه‌ها، شلیک خنده
کند پر، لحظه‌های شادمان را	نواکی با شگوه و نیک خنده
به گوش آید ز ساعات خوش عمر	صدای دایم نیک نیک خنده
چه زیباتر بود سیمای هر کس	ز پشت شیشه‌ی بوتیک خنده
نشیند بر دل هر رهگذاری	طین تیره‌ی موزیک خنده
شفای دردهای لاعلاج است	دل بیمار، را تحریک خنده

■ دکتر سید محمد طباطبایی